

در سالگرد کشتار زندانیان سیاسی سال ۶۷ مبارزه متحدانه علیه جمهوری اسلامی را تشدید کنیم

در هفته‌های اول مرداد سال ۱۳۶۷ اخبار وحشتناک و تکان‌دهنده ای از داخل زندانهای جمهوری اسلامی به خارج درز کرد که حاکی از کشتار و قتل‌عام هزاران انسان در بند بود. این کشتار و وحشیگری در نیمه اول شهریور همان سال به اوج خود رسید. ابعاد کشتار زندانیان در بند به وسعت ایران بود. در بسیاری از شهرهای کشور یکی از وحشیانه‌ترین و بی‌سابقه‌ترین کشتارهای سیاسی در تاریخ ایران به وقوع پیوست که نمونه آن را تنها در جنگ‌های غارتگرانه امثال یورش چنگیزخان مغول به ایران، نسل‌کشی یهودیان به فرمان هیتلر و توسط نازیها، نسل‌کشی ارمنیه در ترکیه توسط ترکهای جوان و همفکران کمال اتاتورک، یا قتل‌عام و انفال کردها در کردستان عراق توسط رژیم فاشیست بعث در اواخر دهه هشتاد میلادی قرن گذشته را میتوان نام برد. این جنایات هولناک همچون دیگر نمونههای ذکر شده، مطابق برنامه آگاهانه و به منظور نابودی نسلی از مخالفین در بند حکومت اسلامی صورت گرفت که به حق میتوان نام عملیات نسل‌کشی زندانیان سیاسی ایران را بر آن نهاد.

شاید یکی از ویژگیهای کشتار زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ در ایران با دیگر موارد بیان شده در این باشد که تمام قربانیان این فاجعه عظیم، زندانی بودن آنها در پشت میله‌های آهنین بود که بسیاری از آنها سالهای عمر خود را در آن سیاهچالها گذرانده و علی‌القاعده موازین ناظر بر حقوق زندانی سیاسی بر پرونده آنها حاکم بود. بسیاری از آن قربانیان دوره زندانی خود را طی کرده و در انتظار آزاد شدن به سر می‌بردند. دلیل بازداشت بسیاری هنوز ناروشن و در انتظار به اصلاح تفهیم جرم بودند. اما کسانی که این جرم و جنایت علیه زندانیان را مرتکب شدند از جای دیگر باخته و خشم ضدانسانی خود را بر زندانیان در بند خالی کردند. در خارج زندانها اتفاق بزرگی روی داده بود. جنگ ویرانگر ایران و عراق با ابعاد وسیع تلفات انسانی و خسارت و ضرر و زیان بزرگ اقتصادی که به تخریب بسیاری از شهرها و مناطق مسکونی دو طرف منجر شده بود با شکست جمهوری اسلامی پایان یافته بود. خمینی کسی که آغاز جنگ را نعمت الهی جار زد، با سرافکنندگی شکست آن را با سرکشیدن جام زهر معروفش و قربانی کردن بی‌پهوده جان صدها هزار انسان بیگناه در شهرها و جبههها قبول کرد. خمینی چه



* روز ۹ شهریور ۱۳۵۸ رفیق فواد مصطفی سلطانی، یکی از بنیانگذاران کومهله و یکی از رهبران سرشناس جنبش انقلابی کردستان و جنبش کمونیستی ایران در نبردی نابرابر با نیروهای اشغالگر جمهوری اسلامی در کردستان جانباخت.
* روز ۱۳ شهریور ۱۳۶۸ رفیق صدیق کمانگر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کومهله و از سرشناس‌ترین رهبران جنبش انقلابی کردستان توسط یک خائن مزدور جمهوری اسلامی مورد سو قصد قرار گرفت و جانباخت.
* روز چهارم شهریور ۱۳۶۸ رفیق غلام کشاورز، چهره سرشناس جنبش کمونیستی ایران در شهر لارناکا در قبرس مورد سو قصد تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفت و جانباخت.
یاد این عزیزان و همه جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم زنده و گرامی است.

اطلاعیه درباره برگزاری نشست مشترک
کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کمیته مرکزی کومهله
صفحه ۴

بیانیه کمیته مرکزی کومهله بمناسبت ۲۸ مرداد
سالگرد صدور فرمان حمله خمینی به کردستان

صفحه ۸

در اوضاع سیاسی جاری
«حزب کمونیست کارگری ایران» کجا ایستاده است؟
صفحه ۵

برنامه سراسری رادیو کومهله

«رادیو کومهله» در ادامه برنامه هایی که تاکنون پخش آنها برای ایران و منطقه خاورمیانه بود، برنامه ویژه ای را نیز در سطح سراسری هر یکشنبه از ساعت ۱۹ تا ۲۰ به وقت اروپای مرکزی به دو زبان کردی و فارسی روی موج ۴۱ متر، فرکانس ۷۵۶۰ کیلوهرتز پخش می‌کند.



این برنامه بر روی سایت «رادیو صدای کومهله» و سایت های «کومهله» و «حزب کمونیست ایران» نیز قابل دسترسی است
ساعت و طول موج این رادیو را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید

خود به ثبت برسانند و با درس گرفتن از اشتباهات گذشته راه پیروزی در آینده را هموار کنند. انقلابی که محاکمه و مجازات سران رژیم اسلامی بدلیل جنایت علیه بشریت در داخل و خارج کشور از اقدامات اولیه آن خواهد بود. تنها در چنین شرایطی است که "لعنت آبادها" به میعادگاه عاشقان راه آزادی و برابری تبدیل خواهند گردید و قربانیان قتل عام سال ۶۷ و دیگر جانباختگان راه رهایی بشریت هرگز فراموش نخواهند شد.

۱۳۸۲/۵/۲۲

حسن رحمان‌پناه

ترجمه: از نشریه پیشرو شماره ۱۷۲



جهان امروز

سیاسی، خبری

سر دبیر:

هلمت احمدیان

ha@cpiran.org

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.



— «جهان امروز» تنها مطالبی را که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد چاپ می‌کند.

— استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

— مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

— جهان امروز در ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است. این امر قبل از چاپ به اطلاع نویسنده می‌رسد.

— مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه ۴ یا ۳ سایز ۱۶ می‌باشد.

شماره حساب جهان امروز

S-E Banken
F-S
53682990054



آنها که برای نجات جمهوری اسلامی از مرگ حتمی، لباس اصلاح‌طلبی به تن کرده و قصد نجات کشتی توفان زده حکومت اسلامی را دارند باید وادارشان کرد که حقایق ناگفته قتل عام زندانیان سال ۶۷ را اذعان دارند تا از یک طرف ابعاد این جنایت آشکار شود و از طرف دیگر همراه همکاران سابق و حافظین نظام اسلامی در برابر مردم جوابگوی باشند.

امروز در شرایطی یاد قربانیان قتل عام سال ۶۷ را گرامی می‌داریم که بحران حکومت اسلامی به هر لحاظ عمیق‌تر گردیده است. اصلاح‌طلبان حکومتی که قرار بود کشتی در گل نشسته جمهوری اسلامی را نجات دهند خود در باتلاق گیر کرده‌اند. اعتراضات کارگری، توده‌ای، دانشجویی و زنان در حال گسترش و خودسازماندهی است. جریان‌ات بورژوازی در اپوزیسیون، از سلطنت‌طلب و جمهوریخواه تا لیبرال و ملی‌مذهبی، تا احزاب ناسیونالیست سرگردان محلی، امید خود را برای رسیدن به قدرت به ناوهای جنگی و موشکهای دوربرد آمریکا گره زده‌اند و خواب و خیال لویه جرگه افغانستان و انجمن موقت قانونگذاری در عراق را برای ایران می‌بینند. هدف عمومی آنها تغییر در بالا و خنثی کردن دخالت مردم در تحولات و مسائل سیاسی جامعه است. اما سرنوشت محتوم انقلاب آتی ایران تکرار رویداد قیام بهمن ۵۷ و معامله از بالا بر سر خواستها و مطالبات مردم و سرکار آمدن ضدانقلاب اسلامی و اجرای سناریوی افغانستان و عراق در ایران نیست. بلکه طبقه کارگر و مردم ستمدیده و جریان‌ات چپ و کمونیست در این کشور همچنانکه یکی از قیامهای شکوهمند قرن بیست را در تاریخ ثبت کردند، این بار هم میتوانند در آغاز قرن بیست و یکم بزرگترین افتخار این قرن را که همانا یک انقلاب عظیم توده‌ای برای به گور سپردن جمهوری اسلامی است بنام

در سالگرد کشتار زندانیان سیاسی سال ۶۷

حرفه‌ای همچون لاجوردی و داوری و دهها جنایتکار دیگر، زندانها را برای رهبر اسلامی به جبهه جنگ یک طرفه تبدیل کردند و شکست در جبهه را به پیروزی اسلام به دور از انتظار مردم در زندانها تبدیل کردند. هزاران چوبه دار برپا شد و زندانیان آرمناخواه با گفتن "نه" به جلادان بر دار اعدام آویزان و ننگ تاریخ را بر پیشانی قاتلان حک کردند. خبر این جنایات از رادیو و تلویزیون و مطبوعات پخش نشد. خمینی و شاگردانش تصور کردند که قفل همیشگی استبداد را بردهان جامعه زده‌اند. اجساد قربانیان این جنایات را مخفیانه در خاوران تهران، دارالرحمه شیراز، باغ رضوان اصفهان، حیات دادگاه انقلاب سنجند و دهها مکان دیگر دفن کردند. گورستان این عزیزان را لعنت آباد نام نهادند تا به خیال خام خود مردم از آنها دوری جویند. گورستانهایی که بلافاصله به آرامگاه عزیزان فراموش نشدنی تبدیل شدند و به یقین در آینده نه چندان دور به میعادگاه عاشقان راه رهایی بشریت تبدیل خواهند شد. دیری نپایید خبر این جنایت هولناک در ایران و در خارج کشور پخش شد. مردم ایران که کم‌کم داشتند تن خسته و فرسوده خود را از زیر آوار جنگ ویرانگر ایران و عراق بیرون می‌کشیدند متوجه شدند که چه فاجعه‌ای علیه عزیزان آنها انجام گرفته است. عده انگشت شماری از هم‌زمان قربانیان جنایت تابستان ۶۷ که از آن قتل عام دستجمعی جان سالم به در برده بودند گوشه‌هایی از سعیت سفاکان اسلامی و مظلومیت زندانیان دریند و بی‌دفاع را برای اذعان عمومی بازگو کرده‌اند. اما هنوز این کل حقیقت نیست. هنوز بخش بزرگی از واقعیات این جنایت در تاریخخانه حاکمیت ننگین رژیم اسلامی از اذهان مردم پنهان است. امروز بسیاری از اصلاح‌طلبان حکومتی از دادستان سابق کل کشور تا رئیس دادگاهها و دیگر آمران و عاملان این جنایت، در آن فاجعه، جزو بازوان قدرتمند امام و اسلام در نبرد علیه زندانیان بودند.

بعنوان رهبر مذهبی و معنوی حکومت اسلامی و چه بعنوان فرمانده کل قوا در روز ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل مبنی بر آتش‌بس را پذیرفت. این شکست در واقع شکست پان اسلامیسیم جمهوری اسلامی و پایان صدور اسلام ناب محمدی بود. دیگر راه قدس و حرمین شریفین از کربلا و نجف نمی‌گذشت و شعار جنگ جنگ تا پیروزی با شکست کامل مواجه شده بود. پایان جنگ برای مردم زجرکشیده ایران، گشایش درچه امیدی بود که میتوانستند خواستها و مطالبات خود را از طریق آن مطرح کنند. شوق و شادمانی در دل مردم بوجود آمد و شکست و زبونی رژیم اسلامی را نقطه امیدی برای پیشروی مبارزه و تحقق خواستهای خود در آینده میدانستند. سران جمهوری اسلامی و در رأس همه خمینی و مشاوران اصلیش رفسنجانی و خامنه‌ای و دیگر همفکران آنان براین واقعیات اطلاع کامل داشتند. آنان نقشه‌مند و آگاهانه تصمیم گرفتند که شادی و خوشحالی مردم از پایان جنگ را به عزا و سوگواری تبدیل کنند. دلیل موجهی برای کشتار مردم کوچه و بازار نداشتند. سران جمهوری اسلامی که بقول خودشان، حکومتشان محصول پیروزی خون بر شمشیر بود مصمم بودند که انتقام شکست در جنگ را از مردم ایران بگیرند. آنان برای بقای خود به ریختن خون هرچه بیشتر نیاز داشتند. از نظر حاکمان ایران مناسبترین و بی‌سر و صداترین جا تنها زندانها بود که دهها هزار انسان معترض و مبارز و در عین حال بی‌دفاع در پشت میله‌های آهنین آن به بند کشیده شده بودند. خمینی با ایجاد کمیته‌ای مرکب از نیری قاضی شرع، اشرافی دادستان تهران و موسوی اردبیلی دادستان کل کشور و با صدور فتوای مذهبی و سعی کنید ((اشدائی علی الکفار)) باشید، دستور قتل هزاران زندانی سیاسی در تاریخخانه‌های حکومت اسلامی را صادر کرد. با صدور این فتوا و مامور کردن افراد یادشده، قصابان



مترجم: بهرام رحمانی

* ترجمه از ترجمان، روزنامه سراسری ترکیه، ۱۵ آگوست ۲۰۰۳

فرار ۶۰۰ سرباز آمریکایی از عراق

واقعیت‌ها به دنبال درخواست آمریکا، برای اعزام سربازان ترکیه به عراق بر ملا شد. هر چه زمان می‌گذرد اوضاع عراق وخیم‌تر می‌گردد و سربازان آمریکایی نیز از این کشور فرار می‌کنند. در حالی که روحیه سربازان آمریکایی تضعیف می‌شود، در مقابل افرادی که علیه اشغال آمریکا می‌جنگند قدرت‌مندتر می‌شوند.

گزارشی که از بغداد به آنکارا رسیده، بحث اعزام سربازان ترکیه به عراق نیز در محافل سیاسی ترکیه داغ تر گردیده است. آنچه که مردم ترکیه از اوضاع عراق خبر دارند، وضع این کشور بسیار وخیم‌تر از آن است و طی این گزارش وضع روحی بخش اعظم سربازان آمریکایی بی‌نهایت بحرانی است. تاکنون فرار ۶۰۰ سرباز آمریکایی که در عراق انجام وظیفه می‌کردند، در گزارش فوق جای گرفته است. سربازان آمریکایی در حالی که در بغداد، تحت شرایط بسیار سخت و خطرناکی انجام وظیفه می‌کنند و روحیه خود را کاملاً باختانند، اما مقامات آمریکایی، سعی بر سرپوش گذاشتن این واقعیت دارند.

در این گزارش مسایل بسیار مهم و تکان‌دهنده‌ای از اوضاع سیاسی و نظامی عراق موجود است. سربازان آمریکایی، به ویژه در مثلث بغداد، فلوجه و تکریت، هر لحظه در شوک مرگ به سر می‌برند. بدین سبب عراقی‌هایی که به اینها نزدیک می‌شوند، عکس‌های همسر و فرزندان و یا والدین خود را به آن‌ها نشان می‌دهند تا بلکه ترحم آن‌ها را به خود جلب کنند. سربازان آمریکایی به عراقی‌ها می‌گویند: «ما هم مانند شما خانواده داریم. بچه‌هایی داریم که در انتظار بازگشت ما بسر می‌برند». سربازان می‌کوشند تا بدینوسیله جلو حملات را بگیرند.

در بغداد ترس و وحشت حاکم است. آمریکا، در سرکوب گروه‌هایی که به نیروهایش حمله می‌کنند موفق نبوده است. در جنوب عراق و کویچه‌های بغداد شیعیان حاکم هستند. به ویژه در دانشگاه انتل‌اکتوتل و مهم بغداد، گرایش شیعه دست بالا را دارد و حرف حوزه علمیه از برد بیش‌تری برخوردار است. شیعه‌ها به طور کلی به سه جناح تقسیم شده‌اند. باقرال‌حکیم سیاست تهران را در عراق دنبال می‌کند. اتوریته ملا سیستانی هم بالاست و همچنین گروه طرفدار مقتدا صدر تماماً مخالف آمریکا است. از این‌رو گروه‌بندی بین شیعیان، حاکمیت کردها را در عراق افزایش داده است.

آمریکا، پس از جنگ عراق، با گروه‌های شیعه روبرو بود. اما اکنون مثلث بغداد، فلوجه و تکریت، به لحاظ حمله به نیروهای آمریکایی بسیار حائز اهمیت است.

سوریه و عربستان سعودی، با دخالت دادن عوامل خود در درون عراق، طرفداران خود را علیه آمریکا تحریک می‌کنند.

آمریکا، علاقه ندارد ترکمن‌ها، موقعیت سیاسی برتری پیدا کنند. به همین دلیل در شورای رهبری موقت عراق، هیچ سیاستمدار ترکمن وجود ندارد، فقط یک زن غیرسیاسی در این شورا جای داده شده است. آمریکا بر این باور است که اگر به ترکمن‌ها موقعیت سیاسی مناسب‌تری داده شود، در آینده با اتوریته‌ای که دولت ترکیه بر روی جبهه ترکمن دارد، در سیاست عراق، نفوذ بیش‌تری خواهد داشت.

آمریکا، علاقه ندارد ترکمن‌های انتل‌اکتوتل در رهبری عراق جای بگیرند و در آینده مشکل‌ساز باشند.

آمریکا، فعلاً از سه بخش شدن عراق ناراضی به نظر نمی‌رسد. اما رفته‌رفته کشمکش بین گروه‌های عرب سنی، با گروه‌های کرد در حال تعمیق و گسترش است. این احتمال قوی وجود دارد که اگر آمریکا چتر حمایتی خود را از روی عراق بردارد گروه‌های عرب سنی، دست به انتقام از کردها خواهند زد.

سه شرط ترکیه برای اعزام سربازان خود به عراق

در حالی که در درون دولت ترکیه، اعزام سرباز به عراق وزنه سنگینی پیدا کرده است، اما دولت، در انتظار جواب آمریکا است. ترکیه سه شرط زیر را در مقابل درخواست آمریکا برای اعزام سربازانش به عراق قرار داده است:

۱- نیروهای ترکیه، اگر نمی‌توانند در جنوب عراق مستقر شوند، اما استقرار نیروهای پاکستانی در این منطقه و همکاری نیروهای ترکیه با آن‌ها اولین شرط است.

۲- در میان هیات فرماندهی نیروهای مشترک آمریکایی و انگلیسی، فرماندهان ترکیه نیز جای داده شوند. چرا که ده هزار نیروهای ترکیه‌ای، پس از نیروهای آمریکایی و انگلیسی بزرگترین نیرو در عراق محسوب می‌شود.

۳- نیروهای ترکیه، تحت امر فرماندهان ترکیه انجام وظیفه خواهند کرد. اگر این سه شرط برآورده شود، در نشست فوق‌العاده مجلس ملی ترکیه، در ۱۵ سپتامبر و یا زودتر از آن اجازه اعزام نیروهای ترکیه به عراق بدون مشکل مورد تصویب قرار خواهد گرفت.

متفاوت بودن شرایط امروز نسبت به شرایط یکم ماه مارس گذشته شایان توجه است:

۱- نجدت سزر رییس جمهور، آن موقع آشکارا تاکید کرده بود که ترکیه، مصویات سازمان ملل را در نظر می‌گیرد. در حالی که اکنون این مسئله به تصمیم نشست مجلس ملی واگذار شده است.

۲- در ماه مارس، طیب اردوغان نخست وزیر، در همکاری با آمریکا بسیار علاقه‌مند بود، اما عبدالله گل وزیر امور خارجه و فرماندهی نیروهای مسلح ترکیه، موضع با ثباتی نداشتند. این بار گل، بیش‌تر از اردوغان آرزوی اعزام نیرو به عراق را دارد.

۳- یاشار بویوک‌کانیت، پیشاپیش نظر نیروهای مسلح ترکیه را روشن کرده است: «اگر در منطقه آتش‌سوزی وجود دارد، ما نمی‌توانیم نسبت به آن بی‌تفاوت باشیم». این اظهارنظرها می‌تواند در رای‌گیری نمایندگان مجلس ملی موثر واقع شود.

۴- سربازان آمریکایی در ترکیه مستقر نخواهند شد. در اول مارس نمایندگان «حزب حاکم اسلامی» با این مسئله مخالفت کرده بودند.

۵- طیب اردوغان، به عنوان رهبر حزب اسلامی حاکم، به طور کلی این حزب را در کنترل خود دارد. از این‌روز سیاست کنونی این حزب اول مارس، یک دست به نظر می‌آید.

عبدالله گل: منتظر قرار سازمان

ملل نخواهیم بود

عبدالله گل وزیر امور خارجه ترکیه گفت، اعزام سرباز به عراق، بستگی به نظر نجدت سزر رییس جمهور دارد. گل اضافه کرد، در حالی که سازمان ملل درخواست کرده است ترکیه نیروهای نظامی خود را به عراق بفرستد، اما باید نخست این مسئله در شورای امنیت سازمان ملل مورد تصویب قرار

اطلاعیه برگزاری نشست مشترک

کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کمیته مرکزی کومه‌له

پلنوم مشترک کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران و کمیته مرکزی کومه‌له در روزهای نیمه دوم مرداد ماه جاری با شرکت اکثریت اعضا هر دو کمیته برگزار گردید و طی چند جلسه کار فشرده مجموعه ای از مسائل مبرم سیاسی و تشکیلاتی را مورد بحث و بررسی قرار داد و در مورد آنها تصمیمات لازم را اتخاذ نمود.

نخستین بحث این اجلاس بررسی اوضاع سیاسی کنونی در ایران بود. فلاکت اقتصادی، گسترش نارضایتی‌های توده ای و رشد جنبش‌های پرتوان اجتماعی در ایران جمهوری اسلامی را بیش از پیش در کام بحران سیاسی عمیق فروبرده است. کشمکشهای سیاسی حاد و گسترده ای کل جامعه ایران را فرا گرفته است و گرایش‌های سیاسی و طبقات اجتماعی مختلف هر کدام می‌کوشند مهر منافع و مصالح خود را بر تحولات آتی بکوبند. در متن این وضعیت دولت آمریکا و دیگر دولت‌های امپریالیستی در رابطه با ایران سیاست فعال تری پیشه کرده اند و رقابت‌های آشکار و پنهان بر سر تعیین سرنوشت بحران سیاسی موجود در ایران به نحوی که منافع آنها را تامین و تضمین کند، درگیر شده است. پلنوم تاکید نمود آنچه که در این میان اهمیت تعیین کننده دارد این است که توده‌های کارگر و زحمتکش و مردم آزادیخواه در ایران اعتماد و اتکا به نیروی خود را از دست ندهند. رهایی از دست رژیم اسلامی و بنا نهادن جامعه‌ای مرفه، آزاد و برابر نمی‌تواند محصول دخالت نیروهایی باشد که با مطامع سودجویانه و اهداف سلطه طلبانه سیاست خود را در قبال ایران فعال تر کرده اند. توده‌های کارگر و زحمتکش به نیروی آگاهی، تشکل و مبارزه مستقیم خود می‌توانند شرایط رهایی خود را فراهم آورند. تجربه نشان داده است که هرگونه دخالت این قدرت‌ها و در رأس آنها آمریکا در عمل به چیزی جز ایجاد تفرقه در صفوف انسانهای ستمدیده و به انحراف کشاندن جنبش‌های پیشرو اصیل اجتماعی و تقویت نیروهای ارتجاعی منجر نخواهد شد. در مورد مسائل کردستان پلنوم عرصه‌های مختلف کار ما را مورد بررسی قرار داد و در هر زمینه‌ای قرار لازم را صادر نمود. برجسته‌ترین بخش این مبحث بررسی سیاست و جهت‌گیری ما در مورد نیروی مسلح کومه‌له در کردستان عراق بود. در این زمینه پلنوم بر اهمیت پیگیری سیاست مصوب کنگره دهم در عرصه مبارزه مسلحانه و جایگاه آن در فعالیت‌های کومه‌له تاکید نمود. در عین حال نشست مشترک هر دو کمیته یادآوری نمود در شرایطی که منازعات ایران و آمریکا ابعاد جدیدی پیدا کرده است و بویژه بده و بستان و بند و بست‌های پنهانی در مناسبات دو طرف در جریان است هرگونه تحرک نظامی که این عرصه از فعالیت ما را با سیاست‌های آمریکا در قبال جمهوری اسلامی در افکار عمومی تداعی کند، زیانبار می‌داند و بنابراین از آن اجتناب خواهیم کرد. یکی دیگر از مباحثات اجلاس مشترک بررسی وضعیت مالی حزب بود. پلنوم با هدف بهبود وضعیت مالی در شرایط متحول کنونی اقدامات لازم را در دستور کار خود قرار داد و کمیسیون ویژه‌ای را مامور کار در این زمینه نمود.

سیاست ما در قبال نشست مشترک نیروهای متحد چپ و بررسی روابط با احزاب سیاسی کردستان ایران از دیگر مباحث این اجلاس بود. پلنوم پس از شنیدن گزارشی که در این زمینه‌ها ارائه شد سیاست ما در هر دو مورد مورد و اقدامات عملی مشخصی را در دستور کار ارگانهای مربوطه قرار داد. جزئیات مربوط به این سیاست و جهت‌گیری‌ها در نشریات و ارگانهای تبلیغی تشکیلات منعکس خواهد شد.

برگزاری کنگره هشتم حزب کمونیست ایران در همین نشست مورد بحث قرار گرفت. با توجه به اینکه بیش از یک سال و نیم از موعد برگزاری این کنگره گذشته است و با توجه به اوضاع و احوال متحول جامعه ایران، پلنوم بر لزوم برگزاری آن در زودترین زمان ممکن نمود و به این منظور مقرر کرد که کنگره حزب ظرف حداکثر ۵ ماه آینده برگزار شود. ترتیبات لازم برای تدارک سیاسی و تشکیلاتی کنگره تعیین شده است. پلنوم در آخرین بخش از دستور کار خود یک کمیته اجرایی هفت نفره را جهت هدایت و رهبری حزب تا نشست بعدی تعیین نمود و به این ترتیب به کار خود پایان داد.

پلنوم مشترک کمیته مرکزی حزب کمونیست و کومه‌له

مرداد ماه ۱۳۸۲

گیرد. اگر مجلس ترکیه تصویب کند که به عراق سرباز اعزام کنیم، به دلیل این که منافع ما به خطر نیافتند، تدارکات این کار را سریعاً آغاز خواهیم کرد. وی گفت: «برای این که منافع ترکیه حفظ شود باید امنیت با ثبات‌تری در عراق وجود داشته باشد و ما نمی‌توانیم چشم خود را بر آنچه که در عراق می‌گذرد، ببندیم». گل، در ادامه گفت، پ.ک.ک، در حال بازسازی مجدد پایگاه‌های خود در عراق است. در این مورد باید نیروهای آمریکایی و انگلیسی نیز اقدامات ضروری را به مرحله اجرا بگذارند. گل، در پایان سخنانش تاکید کرد: «ما فرصت نخواهیم داد که پ.ک.ک در منطقه بماند».

پ.ک.ک، پاکسازی خواهد شد

دولت ترکیه انتظاراتی از ترکمن‌ها و کردهای عراقی دارد. پس از این که عفو عمومی و بازگشت مخالفین به کشور، از تصویب مجلس ملی گذشت، دولت متحده آمریکا قول داد که در طول شش ماه نیروهای پ.ک.ک را در منطقه پاکسازی کند.

ترکیه، در تلاش است جمعیت ترکمن‌ها را مانند ترکمن‌های بلغارستان در یک صف واحد متحد سازد و موثر بودن آن‌ها را برنامهریزی کند.

آمریکا، به فکر این است که در یک سال آینده عراق را ترک نماید. در چنین صورتی، ارتش ترکیه، دوره دیگری برای برقراری امنیت و ثبات در عراق باقی خواهد ماند.

سهم ترکیه از کیک عراق

پس از مسایل سیاسی-نظامی، جایگاه سرمایه‌داران ترکیه در بازار عراق نیز در آنکارا روشن شد. بنا به گزارش‌های ارائه شده سهم ترکیه، از بازار ۱۴۰ میلیارد دلاری عراق، فقط ۱۳۶ میلیون دلار است. از سوی دیگر برای کمیسیون که قرار است قانون اساسی عراق را تدوین کند، تنها دو عضو ترکمن انتخاب شده است. عصمت عبدالمجید مستشار سابق وزارت دادگستری عراق و عباس بیاتلی رهبر گروه‌های متحد اسلامی ترکمن، فعالیت خود را در کمیسیون تدوین قانون اساسی آغاز کرده‌اند.

Representation of Komala
abroad:

دفتر نمایندگی کومه‌له

در خارج کشور

K.K. P.O.Box75026

Box 750 26 Uppsala- Sweden

Tel/Fax: +46-18-46 84 93

E-mail: komala@cpiran.org

آدرس‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له

دفتر نمایندگی کومه‌له

در سلیمانیه

Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81

komalah@komalah.org

Communist party of Iran:

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

C.D.C.R.I.

Box 704 45

107 25 Stockholm - Sweden

Tel/Fax +46-08-86 80 54

E-mail: cpi@cpiran.org

هلمت احمدیان

در اوضاع سیاسی جاری

«حزب کمونیست کارگری ایران» کجا ایستاده است؟

در شهرهای ایران در فاصله نیمه دوم خرداد تا ۱۸ تیر و بویژه همکاریشان با سلطنت طلبان در تظاهراتی ۱۸ تیر یکی از این دوره هاست. اینها بجای توضیح غلط بودن پیش بینی هایشان حمله به دیگران را شروع کرده اند و مثل اینکه این بهترین راه برای ساکت کردن انتقادات داخلی است. رهبری حزب کمونیست کارگری بنا به عواملی که جای بحث آن فعلا اینجا نیست چنان سریع در مورد همکاری با سلطنت طلبان در برگزاری تظاهرات مشترک در ۱۸ تیر تصمیم گرفت که حتی فرصت توجیه تشکیلات خود بویژه در اروپا را نیافت. همه مصاحبه‌ها و مقالات پیرامون توضیح سیاستهای این حزب در تظاهراتی ۱۸ تیر با آنکه علنی است، وظیفه‌اش پاسخ به سئوالات داخلی است. توجیه تشکیلات که باید قبل از ۱۸ تیر و برای این آکسیون‌ها انجام میشد، دارد بعد از واقعه انجام میشود. در بیرون این حزب کسی به دنبال پاسخ به این سئوالات و این توضیحات نیست. نیروهای چپ از این مواضع حزب، تحلیل خود را کرده اند و جایگاهش را در میان نیروهای اپوزیسیون تعیین کرده اند.

پراتیک هر حزب و سازمانی بر مبنای تحلیل آن حزب از اوضاع و احوال سیاسی و موقعیت آن نیرو و جنبش مشخصی است که آن حزب خود را متعلق بدان میدانند. بنابراین مباحث دو نیروی سیاسی قبل از اینکه موضوعی بر سر پراتیک و فعالیت باشد بر سر تحلیلها و پیش بینی‌های آنها از اوضاع ایران است. در دسامبر سال ۱۹۹۸ یعنی چهار و نیم سال پیش حمید تقوایی در نشریه پرسش گفته است که ظرف یکسال آینده ما شاهد اوج گیری انقلاب و تحولات زیرو رو کننده در ایران خواهیم بود. چند ماه بعد در ژانویه سال ۱۹۹۹ منصور حکمت در مصاحبه با صفا حائری برای ناپدید شدن

«به قدرتش می رساند» را برگزیند، ولی به همان درجه هم دیگران نیز این حق را دارند که بگویند که مشی آنها هر روز بیشتر از منافع توده های کارگر و زحمتکش دورتر گشته و به بهانه آماده نبودن کارگران برای تعیین سرنوشت خویش، نقش و رسالت قیمی پررنگتری برای حزب خود قائل گردیده است. خود را بجای طبقه و خلق گذاشتن و تاکتیک تعیین کردن - کاری که این حزب امروز مشغول آن است - انتقادی بود که حمید تقوایی در کنگره اول اتحاد مبارزان کمونیست در سال ۱۳۶۱ به سبک کار جریانات پوپولیست داشت که در بسوی سوسیالیسم آن زمان چاپ شد. آن کنگره این انتقاد را به پوپولیستها کافی ندانست و از آن فراتر رفت و سند نقد سبک کار پوپولیستی را بعنوان یکی از دستاوردهای مارکسیسم انقلابی منتشر کرد. حمید تقوایی این توضیح را حداقل به اعضای حزبی بدعکار است که چرا انتقاد «خود را بجای خلق و طبقه گذاشتن و تاکتیک تعیین کردن» که یک انتقاد ناکافی به پوپولیسم بود امروز بنیاد فعالیت این حزب را میسازد.

پراتیک و تحلیل

سیاسی حاکم بر آن!

در اپوزیسیون ایران ساده ترین کار شمارش اشتباهات و ادعاهای تحلیلی نادرست «حزب کمونیست کارگری ایران» است. این حتی اعضا و هواداران این حزب را در مراد با بیرون از حزب دچار مشکل کرده است. به همین دلیل، این حزب هر بار و بعد از اینکه هر تحلیل و پیش بینی‌اش اشتباه از کار در می آید، بجای اعلام و پذیرش اشتباهاتش و جواب دادن به اعضا و کادراهایش به نیروهای دیگر از جمله حزب ما حمله می کند. روشن شدن ادعاها، تحلیلها و پیش‌بینی‌های اشتباه این حزب درباره اعتراضات دانشجویی و تظاهراتها

پاسخ به این سئوال در درون صفوف خود این حزب نیز باشد که چه به سر ارزیابی‌های حزبشان از اوضاع سیاسی کنونی آمده است - را بهانه کرده و سعی می کنم روشن کنم که اختلاف اساسا نه روی تعاریف از واژه‌ها، بلکه تفاوت روی درک و تبیین متفاوت ما از اوضاع سیاسی و وظایف کمونیستی در دل این اوضاع است. اگر بحثی بدون گرد و خاک میباید صورت گیرد، باید به ریشه های اختلافی که در نگرش ماست، نظر افکند. این متد قطعاً برای آنها هم بیشتر مقرون به صرفه باشد، چون روند رویدادهای روزهای اخیر و وضعیتی که ما به چشم خود می‌بینیم صحت تبیین ما را - که چکیده ای از آن در مطلب مورد مناقشه در جهان امروز هم مندرج است - گواهی میدهد. در این میان این نه نگاه ما به اوضاع، بلکه نگاه و تصویر «حزب کمونیست کارگری ایران» به اوضاع است که طبق معمول بازنده است. به نظر می رسد تبدیل شدن به یک حزب صرف سرنگون طلب، مدت‌هاست به خصلت نمای این حزب تبدیل شده است. مدت‌ها و بارهاست که این حزب بدنال هر «خیز» مبارزات مردمی «میخ آخر را بر تابوت رژیم کوبیده» و بعد از «افت» و فروکش، از نو تابوتی دیگری را برای زدن میخ آخر به صحنه آورده است. تمديد وعده و زمانبندی سرنگونی مستمرا تمديد می گردد و در این رهگذر هر کسی تردیدی روی دیر و زود این امر و یا ابزارهای سرنگونی بکند، «پاسفست» و «تخطئه‌گر» است. هر کسی بخواند به جنبش‌های پایدار و صاحب سنت که خمیر مایه قدرت و اظهار وجود طبقه کارگر و اقشار فرودست جامعه در تحولات سرنوشت ساز آینده است، شفافیت بخشد (نمونه مطلب مورد اشاره در جهان امروز)، فریاد اینان بلند می شود، که منظورتان چیست؟ این حزب مختار است هر مشی که

از طرف دو تن از اعضای «حزب کمونیست کارگری ایران» مطالبی تحت عنوان «کومهله بدون وظیفه» و «.. تخطئه اعتراضات مردم و پاسیفیسم در قبال جنبش سرنگونی طلبی» انتشار یافته، که بهانه‌هایشان ملاحظاتی است بر نوشته‌های در جهان امروز شماره ۱۱۰ تحت عنوان: «ابزار سرنگونی جمهوری اسلامی، جنبش‌های اجتماعی یا شورش‌های خودجوش؟».

همانگونه که از تیتیر مطلب جهان امروز پیداست، این نوشته ارزیابی کوتاهی است از مبارزات دور اخیر مردمی در این راستا که فرق و تفکیک بین شورش‌های کم عمر با جنبش‌های پایدار و قابل اتکا را در اوضاع سیاسی جاری در ایران تاکید کند تا نتیجه بگیرد که: هر چند، هر صدا و شورشی بر علیه جمهوری اسلامی قابل دفاع است، ولی برای یک نیروی جدی، مسئول و مدافع طبقه کارگر وظیفه اصلی این است که اتکایش را روی جنبش‌هایی بگذارد که تجربه قیام ۵۷ را تکرار نخواهد کرد. اتکایش را روی جنبش‌هایی بگذارد که راه‌های به قدرت رسیدن توده‌های کارگر و زحمتکش را هموار می سازد و غیرو...

این مطلب به طور مشخص نقد پایه‌های فکری و نظری و پراتیک «حزب کمونیست کارگری» را در دستور نداشته است. نه به این دلیل «رویش نشده اسم آنها را بیاورد» بلکه به این دلیل که اولاً این مسئله در مقاله‌ای کوتاه که هدف دیگری را تعقیب میکند، غیرلازم می نمود و ثانياً برای نقد عملکرد این حزب، نه فقط بحث روی مسائل روزمره، بلکه باید به پایه‌های نظری و فکری‌ای نیز برگشت، که تاکتیک‌های دور اخیر آنها منتج از آن است.

دو نوشته اعضای این حزب - که به نظر می رسد مخاطبین و اهداف دیگری غیر از نقد مطلب جهان امروز را هم منظور دارد و چه بسا نوعی

در اوضاع سیاسی جاری ...

→ جمهوری اسلامی سر یکسال و نیم شرط بندی کرده است. در کنگره سوم حزب گفته‌اند که کنگره چهارم - که اکنون مشغول انتخابات آن هستند - در ایران برگزار خواهد شد. نشریات، مقالات این حزب مملو از این ادعاها است و کسی نمونه کم نمی‌آورد و البته این امر در اعتراضات اخیر تا مقطع ۱۸ تیر به اوج خود رسید. در تمام این سالها از نظر این حزب، رژیم در آستانه سقوط بوده است و آکسیون‌ها و فعالیتهای حزب بر اساس این تحلیل‌ها استوار بوده است. به این دلیل که فعلا حتی خود «حزب کمونیست کارگری» هم قبول دارد که رژیم اسلامی هنوز سقوط نکرده، بنابراین تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌ها این حزب که حاکم بر فعالیتشان بوده غلط از آب در آمده است. سازمانها و احزاب دیگر نیز تحلیل خاص خودشان را داشته‌اند و بر اساس آن فعالیتهایی کرده‌اند که لاجرم مشابه فعالیتهای این حزب نبوده است. بحث ما با این حزب بر سر پراتیک نیست و قبل از آن بر سر تحلیل‌های سیاسی حاکم بر پراتیک است. این حزب بحث با دیگران را بر سر پراتیک باز کرده است تا تحلیل و پیش‌بینی‌هایش را از قضاوت دیگران دور نگه دارد. این حزب بحث را بر سر تظاهرات مشترک با سلطنت‌طلبان در ۱۸ تیر در تورنتو و لس آنجلس برده تا همگان تحلیل‌های بی پایه و اساس این حزب از موقعیت رژیم و اعتراضات دانشجویان و مردم به فراموشی بسپارند. انگار بحث آن چند هفته، هدفش برگزاری تظاهرات ۱۸ تیر در خارج بود و نه انجام وقایع عظیمی در ایران.

بهررو، در زیر بعد از اینکه تکلیف خود را با پاره‌ای از نکات غیر واقعی و ادعاهای قلم زنان این حزب در نوشته‌های اخیرشان روشن کردم، روی دو محور که به نظر من عوامل اصلی توضیح تاکتیک و روش کار این حزب در شرایط فعلی است، تاکید می‌کنم، یعنی اول درک غیرمارکسیستی آنها از رابطه حزب

و طبقه و متعاقبا مسئله قدرت سیاسی و دوم تاثیرات اوضاع منطقه بر ایران و جایگاه این حزب در این رابطه.

گردگیری از بحث

اگر از پاره‌ای اظهارات نامربوط در این نوشته‌های اعضای این حزب صرفنظر کنم، اظهار شده که مطلب مندرج در جهان امروز عاجز از «درک و شناخت نیروهای اجتماعی و سیاسی در جامعه است!» و به نسبت مبارزات مردمی دور اخیر برخوردی پاسیفیستی از خود نشان داده است!

درمطلب مندرج در جهان امروز بطور مشخص و در ادبیات حزب ما بطور کلی با صراحت کامل تاکید بر نقش کارگران در بین نیروهای دیگر اجتماعی در دل تحولات سیاسی جاری است و در کنار آن ما مثل همیشه از جنبش‌های اجتماعی پایدار و صاحب سنت مانند جنبش جوانان، جنبش زنان و ... عملا هم دفاع کرده‌ایم. پشتیبانی پراتیکی این موضع هم در دور اخیر کمپین و آکسیون و تظاهرات‌های کومهله و تشکیلات خارج حزب کمونیست ایران در حمایت از مبارزات مردمی در ایران بود که گزارشاتی از این کمپین در نشریات و سایت‌های اینترنتی ما وجود دارد. مضافا اینکه «جسارت» فراوانی باید داشت تا به کومهله و حزب کمونیست ایران از این جنبه تعرض کرد که برخوردی پاسیفیستی در برخورد به جنبش‌ها و اوضاع رو به بیرون داشته‌است، در حالیکه همواره این تشکیلات نه صرفا در عرصه فعالیت‌های خارج کشوری، بلکه در محل هم با تمام توان و بدون جنجال و با ابزارهای موثر ... همواره حضور داشته است. بهررو این نکته نیز از نکات بی ربط مندرج در مقالات اخیرشان است که نیازی به پاسخ ندارد.

با اینحال، این «حزب کمونیست کارگری ایران» است که باید توضیح دهد که کدام نیروها را بویژه در کاتگوری قدیمی تر «سناریوی سفید» مد نظر دارد که ما روشن تر متوجه شویم که از شناخت، همراهی و

همسویی با چه نیروهایی جا مانده‌ایم؟ در این حالت است که ما می‌توانیم جواب صریح خود را صاف و پوست کنده به ایشان بدهیم.

از این حکم و ژست «جامعه شناسانه» فراتر، بحث روز این است که آنها ضمن اینکه مشی سیاسی خود در دور اخیر را با واژه‌هایی همچون «وظیفه»، «صحنه» و «حاشیه» والی آخر توضیح می‌دهند، همزمان از این واژه‌ها به عنوان چماقی برای حمله به دیگران نیز استفاده می‌برند. این کلمات و واژه‌های تفسیربردار از طرف اینان با مفاهیمی کاملا غیرطبققاتی و همه خلقی بکار گرفته می‌شوند. به نوشته‌های اخیر آنها از این زاویه نظری دوباره بیفکنید تا معنای عملی این واژه‌ها را بهتر متوجه شوید. در آخرین نوشته‌ها «صحنه» برای این حزب، «صحنه» تظاهرات‌های همه رنگ خارج کشوری با هزینه‌های هنگفت صرف شده از طرف طرفداران پرچم سه رنگ با و بدون شیرو خورشید و «وظیفه» رفتن در این تظاهرات‌ها و سر دادن شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» است و هرکس در این صحنه نبود در «حاشیه»، «پاسیفیست» و «تخته‌گر» مبارزات توده‌ای است!!!

می‌گویند میان «توده‌ها» رفته‌ایم که شعار و خط خود را پیش ببریم، در حالیکه آشکارا در همین سطح هم، آنها هستند که برای رفتن به میان «توده‌ها» شعارهایشان را قیچی و رقیق کرده‌اند. «مرگ بر جمهوری اسلامی» که شعار همه است و تنها شعار «آزادی، برابری و حکومت کارگری» آنها است که در این بین بی کلاه مانده است و «حکومت کارگری» اش درز گرفته شده است. حذف این شعار سیاست مرکزی حزب بوده است و نه یک تصمیم واحدهای محلی. حزب کمونیست کارگری هنوز اوضاع درونی و بیرونی را برای آنکه علنا با سلطنت‌طلبان همکاری کنند آماده نمی‌بیند. به همین دلیل برای همکاری با سلطنت‌طلبان در کمیته‌های ظاهرا بی طرف و خنثی نظیر «کمیته دفاع از ۱۸ تیر» همکاری کردند. در خارج کشور همه جریان‌های سیاسی همدیگر را می‌شناسند و در هر شهر

حتی همه فعالین اپوزیسیون از خط سیاسی یکدیگر مطلعند. به همین دلیل همه از هویت نیروهای تشکیل دهنده این نوع کمیته‌ها برای یک آکسیون مطلع هستند. پیدا شدن سر و کله این حزب فقط در آندسته از کمیته‌ها در تورنتو و لس آنجلس که همگی از سلطنت‌طلبان بودند، یک تصمیم برنامه ریزی شده و با توافق از بالا با سلطنت‌طلبان بوده است. توضیحات اصغر کریمی و کورش مدرسی دو تن از رهبران این حزب، توضیحاتی حول آن توافقات است. اینکه «لیدر» می‌گوید ما مانع آوردن پرچم‌های سه رنگ نمیشویم معنی‌اش این است که توافق کرده‌اند که هر کس پرچم و شعارها و عکسهای خودش را بیاورد. اینکه شعار حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی از تریبونها داده نشده است معنایش این است که توافق کرده‌اند، مسئله فعلا سرنگونی جمهوری اسلامی است و نوع حکومت آینده می‌تواند به بعد موکول شود و حتی سلطنت می‌تواند مورد بحث باشد در حالیکه حتی جمهوریخواهان حاضر نیستند قبول کنند که سلطنت یکی از موارد انتخاب باشد. به همین دلیل در این آشفته بازار کادرهای حزب دفاع واحدی از پراتیک خودشان ندارند. البته یکی از کادرهایشان که در نقد مطلب جهان امروز مطلب نوشته، منسجم تر از حتی لیدر و دیگر رهبران ادعا کرده است که ماجراهای تظاهرات ۱۸ امسال به این دلیل با سلطنت‌طلبان برگزار شده است که این دو جریان بر سر گرفتن قدرت با هم رقابت دارند. او مدعی است که اگر سلطنت‌طلبان و حزب را در یک آکسیون مشترک می‌بینید این نه دلیل همکاری، بلکه به دلیل رقابت در رهبری تظاهرات است. در حالیکه ایشان هم باید بدانند که هنگام رقابت تفاوتها برجسته می‌شود و نه اشتراکات. تنها فرق این حزب با سلطنت‌طلبان در تعیین نوع رژیم، شعار حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی است که آنها حذف شده است. حذف شعار حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی برای رقابت بود یا برای روشن نشدن تفاوتها؟ ←

بر این اساس، به نظر من کوتاه آمدن از این شعار، ضمن اینکه قدمی عملی برای شرکت در یک آکسیون هفت رنگ خارج کشوری بود، از تحلیلی پایه‌ای‌تر این حزب - که در زیر به آن پرداخته می‌شود - نشأت می‌گیرد که طبقه کارگر را تا زمان سرنگونی رژیم و به قدرت رسیدن حزبش، دیگر امر اصلی خود نمیداند.

حزب، طبقه

و قدرت سیاسی

خط کنونی «حزب کمونیست کارگری» تکامل طبیعی بحث‌های قدیمی‌تر این حزب در ارتباط با رابطه «حزب»، «طبقه» و «قدرت سیاسی» است. در کلی‌ترین بیان خود، بر اساس این نگرش حزب به علت عدم آمادگی و انسجام طبقه کارگر این نیابت را برای خود قائل می‌شود که قدرت سیاسی را برای حزبش با هر شیوه‌ای و هر قیمتی به چنگ آورد یا در آن سهمی گردد و سپس از موضع قدرت دوباره به طبقه رجوع کند و شرایط رشد و ترقی و قدرت یابی اش را فراهم سازد. این یک استراتژی عبث است و همه حوادث بعد از انتخاب خاتمی نشان میدهد که در غیاب حضور میلیونی کارگران در صحنه سیاسی ایران تعویض قدرت و رژیمی در کار نیست.

برای اظهار نظر روی این فرمول‌ها، احتیاجی به کنکاش در اسناد کلاسیک مارکسیستی و غیرو نیست. به یک دلیل بسیار ساده این فرمول بندی و درک، غیرمارکسیستی است. اولین و پایه‌ای‌ترین سؤال برای یک مارکسیست این است که حزب را صرفنظر از اینکه در بطن مبارزات کارگری تشکیل شده باشد و یا خارج از این گردها، چگونه در جریان مبارزه‌های همدوش به طبقه و متعاقباً قدرت نزدیک می‌کند. برای این امر مکانیزم و تشکیلات‌های صنفی و سیاسی در دوران خود طبقه نیاز هست. هیچ حزب جدی که امر کارگران را در صدر مسائل خود دارد نمی‌تواند از سر این مسیر پرش کند. اگر مفهومی طبقاتی برای واژه‌ها قائل باشیم و واژه‌های «پاسیفیسم» و «آکسیونیسم» را هم اینگونه ببینیم. رویه این حزب یعنی پرش از سر این

اولویت، چیزی جز پاسیو کردن و بی‌وظیفه کردن طبقه کارگر از طرفی و غرق شدن حزب در مبارزه‌های واکنشی و آکسیونی چیزی دیگری نیست؟ از نظر کمونیست‌ها کسب قدرت سیاسی برای طبقه کارگر نیابت بردار نیست، شالوده و پایه و ضمانتش را از مکانیزمها و فعل و انفعالات درون و مبارزاتی این طبقه می‌گیرد. کمونیست‌ها نقش هويت بخشی و رشد و تقویت این جنبش را از دورن دارند. نمی‌توان از بالای سر طبقه کارگر در رقابتی نیابتی با گرایش‌های طبقه سرمایه به شیوه‌ها و ابزارهای خود آنها توسل جست. برنامه «حزب کمونیست کارگری ایران» و هر حزب دیگری هر اندازه هم با عبارات مارکسیستی مزین باشد، شیوه کار و تاکتیک‌های مبارزاتی یا به عبارتی ساده‌تر تحلیل از اوضاع و براین اساس عمل و پراتیک است که برای قضاوت یک حزب محک است و مورد نظر قرار می‌گیرد.

اوضاع ایران

در تحولات منطقه‌ای

در مطلب مندرج در جهان امروز، محور بحث بررسی تحولات از پایین در ایران بوده و به جز اشاره بسیار کلی فاکتور تاثیرات منطقه در چهارچوب استراتژی آمریکا بر ایران، مورد بررسی قرار نگرفته است. ولی به نظر می‌رسد قلم زنان «حزب کمونیست کارگری ایران» که خود بطور جدی درگیر این بحث نیز هستند، فرصت را غنیمت شمرده و در قبال پاسخ به مخالف سیاسی خود زمینه‌های ذهنی، فکری و سیاسی چرخشی نگران کننده در این زمینه را هم بروز می‌دهند. منصفانه نیست که این حزب را جزو بلوکی دانست که مترصد کسب قدرت از برکت تحولاتی است که به یمن سلطه طلبی آمریکا و متحدینش در منطقه می‌رود شکل گیرد، ولی به نظر نگارنده علامت قابل تعمقی برای این همسویی وجود دارد که این حزب هر روز بیشتر بر اساس بینشی که برای «کسب قدرت سیاسی» دارد، خود را روی آن به خط می‌کند. در ۱۸ تیر، آکسیون مشترک این حزب با سلطنت طلبان که خود

دست نشانده و نوکر آمریکا هستند و بدون دخالت آمریکا هیچ شانس برای قدرت ندارند، در کنار سکوت تعجب آور «حزب کمونیست کارگری» در قبال تلاش رابطه‌گیری سازمان زحمتکشان با آمریکا بسیار با معناست. این حزب که همواره عملکرد سازمان زحمتکشان را در زمینه‌های مختلف زیر ذره‌بین گذاشته است، در قبال فیگور رابطه آنها با آمریکا سکوت کرده است؟! آیا انتقاد به تلاش برای رابطه‌گیری سازمان زحمتکشان با آمریکا مشکلاتی برای رابطه خودشان با سلطنت طلبان که تازه عامل دست چندم آمریکا هستند فراهم می‌آورد؟ آیا راه رابطه احتمالی حزب کمونیست کارگری عراق را با آمریکا سد می‌کند؟ آیا...؟ (در صورت لزوم بحث در این رابطه را به آینده واگذار می‌کنم).

واقعیت این است که در ورای اعتراض ارتجاع اسلامی و ناسیونالیستی به امپریالیسم، امروز سیر رویدادهای سیاسی چه در سطح جهانی و چه در سطح منطقه می‌رود که خط و جهت‌گیری و استراتژی روشن دیگری را شکل بدهد، حرکتی که در سطح جهان و منطقه سیاست‌ها و نیات سرمایه‌داری امپریالیستی

آمریکا و متحدینش را به چالش می‌گیرد. «حزب کمونیست کارگری» می‌خواهد در کجای این صف قرار بگیرد؟

سخن کوتاه، خط و مشی و تاکتیک «حزب کمونیست کارگری ایران» بر پایه شاخص‌های بالا که به شکلی فشرده بیان گردید. قابل بحث و بررسی و نقد است. این نوشته تلاشی کوچک در این راستا بود. نتیجه‌ای که بطور طبیعی یک فعال حزب ما از این بحث می‌گیرد، بر خلاف جار و جنجالی که آژیتاتورهای «حزب کمونیست کارگری ایران» معمولاً راه می‌اندازند، نه دوری جستن ما از «قدرت سیاسی» بلکه تلاشی زنده، واقعی و دخالتگری برای همین امر است. منتهی برای ما این امر در عین اینکه تلاش جدی برای سرنگونی رژیم ضد بشری جمهوری اسلامی است، همزمان تلاش برای جایگزینی‌ای است که سر توده‌های کارگر و زحمتکش در آن بی کلاه نمی‌ماند.

زنده‌ترین گواه این مند و عملکرد، رزم کومه‌له در گذشته و حال در کردستان بوده و هست..



از سایت حزب کمونیست ایران



www.cpiran.org

سایت کومه‌له



www.komalah.org

سایت رادیو صدای کومه‌له

www.radiokomaleh.com

بر روی شبکه اینترنت دیدن کنید!

صدای انقلاب ایران

صبح ها: ۷ - ۸
ظهرها: ۱۳ - ۱۴
عصرها: ۱۹ - ۲۰

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز



صدای حزب کمونیست ایران

هر شب: ۲۱۱۳۰ - ۲۲۱۳۰
صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز
۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز
۴۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

بیانیه کمیته مرکزی کومهله

بمناسبت ۲۸ مرداد سالگرد صدور فرمان حمله خمینی به کردستان

که موسوی نماینده ولی فقیه در کردستان نگران از موقعیت رژیم اعتراف می‌کند که این سرزمین را به قیمت گزافی به دست آورده‌اند، بنابراین به آسانی آن را از دست نخواهند داد و ما اضافه می‌کنیم که استقرار حکومت اسلامی در کردستان تنها به قیمت وحشیانه ترین سرکوبها و سلب ابتدایی‌ترین آزادی‌ها بدینگونه که خود بدان اعتراف می‌کنید، میسر گردیده است.

امروز جامعه ایران شرایط جدیدی را تجربه می‌کند. مردم کردستان همراه با کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر ایران برای تغییر وضع موجود و پایان دادن به حکومت اسلامی گام برمیدارند. در متن این حرکت سراسری جنبش انقلابی در کردستان نیز زنده است و کردستان همچنان یکی از کانونهای پرتوان انقلاب در ایران است. سنت بیش از دو دهه مبارزه انقلابی، جا افتادن سیاستهای رادیکال در زمینهای مختلف اجتماعی نفوذ وسیع جریان کمونیستی در این جامعه نقش پردازان رنگارنگ وابسته به جناح های سرمایه داری ایران در داخل و خارج در اپوزیسیون و در دورن رژیم را در یک جبهه اعلام نشده به تکاپو انداخته است تا شعله های جنبش انقلابی کردستان را خاموش کنند. پاسخ رادیکال و موثر به چنین وضعیتی به هشیاری سیاسی و فشرده تر کردن صفوف کارگران و مردم آزادیخواه و حق طلب نیاز دارد. مردم کردستان این واقعیت را تجربه کرده‌اند و به خوبی می‌دانند که آزادی هدیه‌ای نیست از آسمان بر آنها نازل شود و هر آنچه را که در این راه به نیروی خود به دست نیاورند. دست یافتنی نیست. خوش باوری‌های بی پایه‌ای که نسبت به دخالت خارجی برای کسب آزادی در کردستان و در ایران و در میان مردم دامن زده می‌شود طرح‌هایی که از جانب به اصطلاح اصلاح طلبانی که در وزارت اطلاعات رژیم لانه کرده‌اند ارائه می‌گردد. همه اینها در مقابل رشد آگاهی و گسترش مبارزه مردم آگاه و آزموده در کردستان محکوم به شکست است. جنبش انقلابی مستقل از چنین دست اندازی‌هایی به حرکت پیشرو خود ادامه خواهد داد و در همراهی با جنبش‌های اجتماعی دیگر در ایران سرانجام تومار عمر رژیم اسلامی را در هم خواهند پیچید.

جا دارد در ماورای تخم تردید و دودلی‌های که مخالفین ریز و درشت جنبش انقلابی و حرکت سوسیالیستی در این جنبش امروز در میان مردم می‌پاشند و در بیست و پنجمین سالگرد حمله رژیم به کردستان دست آورده‌ها، نقاط قوت و ضعف جنبش انقلابی را با دیدی روشن و افقی گسترده مرور کنیم و با بررسی نقادانه اجتماعی راه پیشروی آن در شرایط تغییر یافته محلی، منطقه‌ای و جهانی را روشن کنیم و از این طریق برای پیروزی آن با کمترین دردها و از نزدیکترین مسیر نیرو بگیریم. انجام چنین رسالتی امروز در توان کومهله هست و پیگیری و به نتیجه رساندن آن را وظیفه تعطیل ناپذیر خود می‌داند. امری که مسلماً جنبش ما را در کردستان یک گام بلند به جلو خواهد برد. در سالگرد ۲۸ مرداد کومهله یک بار دیگر تعهد خود را به پیشبرد جنبش انقلابی کردستان در راستای منافع مردم کارگر و زحمتکش مورد تاکید قرار می‌دهد.

زنده باد جنبش انقلابی مردم کردستان - زنده باد سوسیالیسم

کمیته مرکزی کومهله

نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۳۸۲ - نیمه اول اوت ۲۰۰۳

بیست و چهار سال از آن روزی که خمینی در سال ۵۸ فرمان حمله سراسری به کردستان را صادر کرد، می‌گذرد. از آن تاریخ به بعد زبان جمهوری اسلامی با مردم کردستان، زبان زور و منطق آنها سرکوب و کشتار و پاسخ مردم کردستان مقاومت و تسلیم نشدن بوده است. حرکتی که آن روز تحت عنوان جنبش مقاومت برپا گردید و توده‌های شد، علیرغم عقب نشینی‌هایی که در عرصه نظامی به آن تحمیل شده است تا به امروز همچنان زنده و درخواستهای پیشرو و حق طلبانه‌اش پافشاری می‌کند. طی این سالهای طولانی مردم کردستان در سنگرهای مختلف مقاومت و مبارزه سرسختانه، تجربه‌های گرانبها اندوخته‌اند و آتش مبارزه انقلابی در کردستان را همچنان پرافروخته نگاه داشته‌اند.

کومهله با شناختی که از ماهیت جریان اسلامی در آن دوره و از حکومتی که به رهبری خمینی در حال شکل گرفتن بود داشت کوشید تا از طریق تشکیل سازمانهای توده‌ای و با روشنگری سیاسی، مردم کردستان را برای روپوشدن با تهاجمی که همه شواهد نشان از آغاز قریب الوقوع آن می‌دادند، آماده کند. هدف ما این بود که مردم کردستان نیروی لایزال خود را برای مقاومت در برابر رژیمی که به نام انقلاب به سرکوب انقلاب ایران برخاسته بود، باور کنند. کوچ تاریخی مردم مریوان، اعتصاب یک ماه مردم شهر سنندج، راهپیمایی‌ها و تظاهرات بی وقفه در شهرهای مختلف که بوسیله کومهله سازماندهی میشدند. همگی در واقع مقاومت در برابر حمله محتومی را تدارک می‌دیدند که رژیم تازه به قدرت رسیده خیال آن را در سر می‌پروازند. دعوت از کارگران، زنان، دهقانان فقیر و جوانان به متشکل شدن، تشکیل جمعیت‌های دفاع از دموکراسی در کردستان، بنکهای محلات و شوراهای شهرها، هدایت گفتگوهای سخت بین نمایندگان رژیم و مردم کردستان در جریان نوروز خونین سنندج و کوچ مریوان و غیره و بردن مباحثات آن به میان مردم بوسیله مروجین کومهله، همگی صحنه‌هایی از این تدارک سیاسی و اجتماعی مقاومت در کردستان بوده‌اند. این اقدامات کومهله علیرغم کارشکنی‌هایی که در خود کردستان توسط مرتجعین و فرصت‌طلبان به عمل می‌آید. از جانب اکثریت توده‌های مردم پاسخ مثبت گرفت و زمینه ساز مقاومت سرسختانه‌ای شد که هرگز اجازه نداد رژیم اسلامی آنگونه که خود میخواهد بر جامعه کردستان حکومت کند.

در کمتر از ۳ ماه فراخوان کومهله به مقاومت توده‌ای نتیجه داد و رژیم اسلامی را که نیروهایش در کردستان در آستانه تار و مار شدن کامل بودند، به پای میز مذاکره کشاند. «هئیت نمایندگی خلق کرد» برای هدایت امر گفتگو با رژیم شکل گرفت و دور دیگری از زورآزمایی نیروهای مقاومت در کردستان و رژیم اسلامی در عرصه جدیدی آغاز شد. روشن بود که رژیم در ادامه سرکوب سراسری انقلاب نمی‌خواهد به فضای آزاد سیاسی و شور و شوق مبارزاتی روزافزونی که در کردستان ایجاد شده بود تن بدهد. از یک سو به کسب وقت در مذاکرات و تفرقه اندازی در صفوف مردم و نیروهای سیاسی مشغول بود و از سوی دیگر برای حمله مجدد به کردستان نقشه می‌ریخت و در کار آماده سازی نیروهایش بود. زمان زیادی نگذشت که بار دیگر تهاجم گسترده به کردستان آغاز گردید. اما این بار نیز کردستان برای رژیم اسلامی لقمه چرب سهل‌الوصولی نبود. امروز ۲۴ سال بعد از این تهاجم وضعیت به گونه‌ای است